

# کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۸۷۳ | پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ | ۲۰ ژوئن ۲۰۲۴

تأمین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

## مصطفی هجری:

### مردم کوردستان بعنوان اصلی‌ترین قربانیان تروریسم سپاه پاسداران از اقدام کانادا حمایت می‌کنند

«مصطفی هجری» مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با قرار دادن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی از سوی دولت کانادا پیامی را منتشر نمود.

متن پیام بدین شرح است:

پس از ایالات متحده آمریکا، دولت کانادا نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را به لیست سازمان‌های تروریستی افزود. این اقدام که روز چهارشنبه ۳۰ خرداد بدنبال پیگیری‌های مستمر ایرانیان ساکن کشورهای غربی بویژه ایرانیان ساکن کانادا و تداوم جنگ‌افروزی و اقدامات تروریستی جمهوری صورت گرفت، دستاوردی دیگر برای همه آزادیخواهان ایران، بویژه خانواده‌های دادخواه ملل مختلف ایران است.

امیدواریم که اتحادیه اروپا نیز از خواسته مردم ایران استقبال کرده و سپاه پاسداران را بعنوان یک سازمان تروریستی معرفی کند. این اقدام کانادا با حمایت اکثر قریب به اتفاق مردم ایران همراه خواهد بود، بویژه از سوی ملت کورد و حزب دمکرات کوردستان ایران که قربانی بیشترین ترور و جنایات سپاه پاسداران هستند.

مصطفی هجری

مسئول مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران

## تصمیمی دیر، اما شایستهی کانادا

# جامه برازنده برای سازمان تروریستی سپاه پاسداران



کانادا: سپاه پاسداران از این پس در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد

## انتخابات ریاست جمهوری هشتم تیرماه مشروعیتی برای رژیم ایران نخواهد آورد

(بیانیه مرکز اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه با برگزاری به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری آتی)



## افزودن سپاه پاسداران به لیست سازمانهای تروریستی از خواسته‌های انقلاب ژینا بود

جغرافیای ایران ترور کرده است. برای ده‌ها حمله انفجاری در کشورها و جاهای مختلف برنامه‌ریزی کرده است و به شبه‌نظامی‌گری و دخالت در امور کشورهای منطقه بانی عدم ثبات در این کشورها بوده است و امنیت خاورمیانه را به گروگان گرفته است. کورد و مبارزه کورد در طول حاکمیت رژیم ایران بیشترین زیان و ضربه را از تروریسم دولتی رژیم ایران خورده است و در میان آن حزب دمکرات به طور اخص.

کارنامه تروریسم دولتی رژیم ایران علیه حزب دمکرات از طریق سپاه پاسداران از ترور سرگرد حبیب‌الله عباسی عضو کمیته مرکزی و مسئول شورای نظامی حزب و سروان چلبی در تابستان ۱۳۵۹ آغاز شده است. این جریان در طول مبارزه سیاسی کورد تا موشکباران مقرات حزب دمکرات در طی سالهای گذشته و ترورهای تابستان سال گذشته در اقلیم کوردستان ادامه داشته است.



در جریان انقلاب ژن، ژیان، نازادی نیز پارلمان اروپا با اکثریت آرا تصویب کرد که سپاه پاسداران به لیست سازمانهای تروریستی افزوده شود. اما اتحادیه اروپا تا کنون رای گیری بر این تصمیم را به تعویق انداخته است. دولت کانادا اعلام کرده این تصمیم با تکیه بر اسناد کثیری داده شده است. سپاه پاسداران طی مدت ۴۵ سال گذشته صدها مخالف سیاسی خود را در خارج از مرزهای

جاستین ترودو نخست وزیر کانادا اعلام کرد که کشور از این به بعد سپاه پاسداران را به عنوان سازمانی تروریستی می‌شناسد. دومینیک لبلانک وزیر امنیت عمومی رژیم ایران را در تمامیت خود به حمایت از تروریسم دولتی، پایمال نمودن حقوق بشر در داخل و خارج از کشور و بانی جنگ‌افروزی و بی‌ثباتی در جهان معرفی کرد. بعد از کشورهای عربستان، بحرین و آمریکا اکنون کانادا چهارمین کشور جهان می‌باشد که به صورت رسمی سپاه پاسداران به عنوان سازمانی تروریستی می‌شناسد.

جمهوری اسلامی ایران روز هشتم تیرماه آینده و در پی مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی، اقدام به برگزاری انتخابات پیش از موعد خواهد کرد. چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران در حالی برگزار می‌گردد که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، نام ابراهیم رئیسی با کمترین آراء شرکت‌کنندگان از صندوقهای رأی خارج شده بود، اما در پی رویداد و تبعات مرگ رئیسی، موضوع حساس جانشینی خامنه‌ای و اوضاع بحرانی کشور، این انتخابات پیش از موعد هم برای رژیم جمهوری اسلامی ایران و هم برای مردم ایران که در دو جبهه‌ی کاملاً مخالف یکدیگر قرار گرفته‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جمهوری اسلامی که حلقه‌ی طرفدارانش روز به روز محدودتر و کوچکتر می‌گردد، بشدت تلاش کرده تا در خصوص سه موضوع هژمونی نظامی و اتمی، جانشینی رهبری و برخورد با اعتراضات مردم، کلیه اهرمهای قدرت را تماماً در انحصار خود و بدور از اراده‌ی مردم باقی بگذارد. در این رابطه همانگونه که از کاندیداهای عبور کرده از فیلتر شورای نگهبان مشخص شد، حتی افرادی چون لاریجانی و احمدی نژاد نیز که سالها سرباز ولایت و حافظ و مدافع سیستم جمهوری اسلامی بودند، در حال حاضر نمی‌توانند در این حلقه جایی داشته باشند.

نتیجه‌ی این دوره‌ی از انتخابات ریاست جمهوری که از هم اکنون روشن است، از دیدگاه رژیم و شخص خامنه‌ای نباید کوچکترین شائبه‌ای در خصوص مسأله‌ی جانشینی رهبری به وجود آورده و تأثیری بر مواضع و رفتار

ادامه در صفحه ۳

### امید تغییر در انتخابات ایران (آب در هاون کوبیدن)

زانیار حسینی

۷

### بیهودگی مشارکت در اقتدارگرایی انتخاباتی

آزاد مستوفی

۶

### نمایش انتخابات در سایه «همستر»

رضا دانشجو

۵

### انتخابات فرمایشی: بحران مشروعیت و انحلال ایدئولوژی رژیم را تغییر نخواهد داد!

حسام احمدی

۴

### خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران در بازسازی آینده ایران بایستی هم ملت فارس هم ملت نورد و کورد و بقیه بتوانند پایه‌های دموکراسی و عدم تمرکز و اصول اداره مشترک ایران را پایه‌ریزی بکنند

مصاحبه: کوردستان

۲ و ۳

## خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران:

### در آینده ایران در بازسازی آینده ایران بایستی هم ملت فارس هم ملت تورک و کورد و بقیه بتونن پایه‌های دموکراسی و عدم تمرکز و اصولا اداره مشترک ایران را پایه‌ریزی بکنند

مصاحبه: کوردستان

اشاره: در رابطه با اوضاع سیاسی کوردستان و ایران و همچنین وضعیت اپوزیسیون روزنامه کوردستان با آقای خالد عزیزی سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران مصاحبه‌ای انجام داده است که در این شماره از روزنامه کوردستان بخشی از آن را در اختیار خوانندگان گرامی روزنامه کوردستان قرار می‌دهیم.

● شما بعنوان سخنگوی حزب دمکرات کوردستان ایران راه چاره برای مبارزه با این رژیم را در چه می‌بینید؟

طبیعتا جمهوری اسلامی کارتهای بسیار متعددی داره در معادلات و بازیهای بین المللی، موقعی که اونجا میتونه از این کارتا استفاده بکنه تا اندازه‌ی افکار عمومی رو منحرف میکنه از مسائل داخلی ایران در بعد سیاسی و اقتصادی، اداری و همهی اینها، یکی از کارتها که جمهوری اسلامی داره، کارت مسئله‌ی برنامه هسته‌ای ایران هست، جمهوری اسلامی خب من مطمئن هستم به این راحتی جمهوری اسلامی حتی اگه سلاح اتمی هم داشته باشه نمیتونه علیه اسرائیل ازش استفاده بکنه، پس از این پروژو بعنوان عامل بازدارنده و اصولا فاکتوره بازی بین المللی در سطح خاورمیانه ازش استفاده میکنه پس اونجا جمهوری اسلامی از این کارت استفاده میکنه، بعدشم همون برنامه‌ی استفاده از گروه‌های نیابتی است که برای درست کردن مشکلات و اونجا هم دنبال امتیاز گرفتن هست. من پیش بینی نمیکنم یک جنگ مستقیم چ بین اسرائیل و ایران چ بین آمریکا و ایران چ بین هیچ کشوری با ایران در منطقه رخ بده و اصولا تا بحال برخوردهای هم که وجود داشته بین اسرائیل و ایران بیشتر واکنش بوده در مقابل کنش همدیگر، و ما این کنش و واکنشها حتی در بعد دیپلماتیک در بعد شعار علیه همدیگر در عرض چهل و پنج سال گذشته دیده‌ایم، ولی تعیین تکلیف سیاسی جمهوری اسلامی و معادلات بین المللی روش تصمیم نمی‌گیرند بلکه خود مردم ایران مبارزات مردم ایران و در ادامه این مبارزات اصولا پروسه‌ی آلترناتیو سازی و درست کردن جایگزینی برای جمهوری اسلامی هست که میتونه حرف آخر رو بزنه معادلات بین المللی و اصولا نقش جمهوری اسلامی در منطقه همه‌شون کارتهای هستن بعنوان عامل بازدارندگی و اصولا درست کردن بحران در منطقه برای سرپوش گذاشتن برای بحرانهای داخلی ازش استفاده میشه. من امیدوارم جامعه‌ای بین الملل در این برنامه جمهوری اسلامی گرفتار نشه و بیشتر خودشو در برنامه‌ریزی و اصولا ستراتیژی علیه جمهوری اسلامی معطوف به داخل ایران بکنه.

● پتانسیل براندازی را چطور ارزیابی میکنی؟ یا اصلا این



که به جنبش کوردستان و مخصوصا حزب دمکرات کوردستان ایران مربوط هست ما به شیوه‌های مختلف این جنبش را ادامه دادیم و تقریبا این جنبش سمبولی شد برای حق خواهی و دموکراسی در ایران ولی با وجود این دیدیم جمهوری اسلامی به آسانی توانست مناطق کوردستان ایران را امنیتی بکنه و تقریبا این جنبش نتونه در ادامه خودش بلاخره مخاطبین خودش رو در داخل ایران جمع بکنه، شاید یکی از اشکالات این باشه در جریان جنبش ژینا و مهسا برای اولین بار این جنبش عمومیت پیدا کرد. و مخاطب برای مسئله‌ی کوردستان خوشبختانه در خارج از کوردستان ایران هم پیدا شد به هر حال دور نمای تغییرپذیری در نظام جمهوری اسلامی بیشتر منوط به عقلانیت نظام نیست بلکه تابعی است از بحرانهای که این نظام داشته یا خواهد داشت.

● دلایلی که انقلاب ژینا به کلان شهرها سرایت نکرد چی بود؟ آیا برخورد خوشبینانه ابر رسانه‌های لندن و واشنگتن بود؟ آیا اون کوردستان فویایی که رژیم ایجاد کرده بود و داشت از بین میرفت.

که میبینیم کلان شهرها وارد این جریان نشدن چرا بعد از دو سال اون حرکتها را در کلان شهرها نداریم؟

ببینید این سوال شما میشه ما از چندین منظر بهش توجه داشته باشیم، در مرحله‌ی اول چ از براندازی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی صحبت بشه و یا چ وارد احتمالات تغییر پذیری نظام بشیم به هر حال به صرف تظاهرات و شعار و بعد عصبانیت نمیشه این دو واقعیت رو تبدیل به یه مسئله‌ی کرد، در هر دو حالت خودش سازماندهی و وحدت و برنامه‌ریزی و نقشه‌ی سیاسی برای آینده‌ی ایران لازمه، همونطور که شما به درستی بهش اشاره کردید این مبارزات تا اونجای که مربوط به خیزش یا جنبش "ژینا" مهسا امینی هست ما در مقایسه با گذشته میبینیم به اوج خودش رسید. چ در بعد میدیایی بین المللی چ در سطح ایران تا اندازه‌ی و مخصوصا در کوردستان ولی دوباره این واقعیت رو ثابت کرد که تا کلان شهرهای ایران وارد این کارزار مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی نشن و علی‌الخصوص پایتخت تا تهران نقش بسیار برجسته‌ی نداشته باشه طبیعتا احتمال اینکه این رژیم از بین بره یا این رژیم تغییر پیدا کنه بسیار ضعیف است. در عرض چهل و پنج سال گذشته تا اونجای

رو این متمرکز بشه که اصولا در داخل ایران طبق برنامه‌ی مردم ایران و وحدت و هماهنگی بین ملت‌های مختلف و مردم ایران در کلیت خودش چ در داخل چ در خارج بتونن پروسه‌ی سقوط جمهوری اسلامی رو رقم بزنن آن هم بایستی حتما در مسیر جایگزین درست کردن برای این نظام باشه

● آقای عزیزی از مردم ایران گفتی از تغییر گفتی آیا به نظر شما این رژیم از داخل قابل تغییره؟ و هم در چهارچوب رژیم هم من میخوام سوال بکنم و هم اینکه توسط مردم چون دیدیم در انقلاب ژینا همه‌ی کوردستان و بلوچستان، بخشی زیادی از گیلان و مازندران شهرهای زیادی در اکثر نقاط ایران تظاهرات گسترده‌ای رو علیه حاکمیت برگزار کردن و جانفشانیهای زیادی هم شد فداکاری که واقعا سمبولیک بود در تاریخ هرگز نمونه نداشته و خود نوروژی که ما پشت سر گذاشتیم نوروژی که در کوردستان دیدیم حماسه‌ی بزرگی بود از اعلام هویتی که نتوانستند سرکوب بکنند و مردم اون رو در نوروژ به تمام معنا نشان دادن در ایلام، در همه‌ی شهرهای کوردستان از ایلام گرفته تا اطراف ترگور و مرگور ارومیه اما همونطوری

### ادامه صفحه ۲

**و دوباره از طریق جریانی در خارج از کشور و به صراحتن پهلوی دوباره درست شد و میتونم بگم مسیر انقلاب ژینا را منحرف کرد من این دلایل رو میخوام بدونم.**

ببینید موقعی که مردم مبارزه میکنند شعار میدان میان کف خیابان کارشون دیگه اونجا بایستی احزاب و سازمانهای سیاسی انجام بدن و گفتمان سازی دیگه وظیفه سازمانها و احزاب سیاسی ایران بود کورد و غیره‌کورد من فکر میکنم اونا هم غافلگیر شدن، جریانهای یا طیفهای مختلف غیره کورد مخالف جمهوری اسلامی بخش عمده‌شون حقیقتش این واقعیت را نفهمیدن و بخش دیگرشون در خارج از کشور رهبریشون اونجا هست، هنوز درک مسئله‌ی کوردستان و مبارزات مردم کوردستان و اینکه وظیفه‌ی اینو انجام بدن که بین کوردستان و بقیه‌ی ایران پلی ایجاد بکنن موفق نشدند به موازات عدم وجود سازماندهی و هماهنگی، تشکیلات و هماهنگی و همکاری تمام این احزاب با همدیگر مایه‌ای برخورد بسیار تمامیت خواهانه مرکزگرایانه چ از طرف جریانات سلطنت طلب با هواداران نظام پادشاهی و حتی جریانات دیگه در رابطه با قضیه‌ی کوردستان داشتیم و این هم سبب شد تا اندازه‌ی تبدیل به عامل بازدارنده بشه و یعنی در همچون معادله‌ی بود که جمهوری اسلامی به آسانی به کوردستان حمله میکرد رهبری حزب دمکرات و بقیه رو به موشک میبست و اصولا دنبال توطئه بود که این جنبش و مسئله‌ی کوردستان و حزب دمکرات مربوط به اونجا و اونجا هستن تحریکاتی میکرد که تا اندازه‌ی من فکر میکنم که افکار عمومی بعضی از جریاناتی سیاسی هم تاثیر داشت، پس یکی از علتهاش این بود که این برداشت درست این هماهنگی منظم و این پروسه‌ی که اجماع نسبی درست بکنه بین قضیه‌ی کورد در رابطه با بقیه‌ی ایران وجود نداشت و متاسفانه حالا هم وجود نداره پس موقعی که وجود نداشته باشه طبیعتا به این آسانی به کلان شهرها نمیره، ما در کوردستان وظیفه‌ی خودمون را انجام دادیم دقیقم انجام دادیم درست هم انجام دادیم چون ما یک گذشته‌ی تاریخی بسیار دقیق از سازماندهی، سیستم حزبی داریم و حتی در میان بعضی از جریانها و افراد منفرد تا اندازه‌ی حزب زدایی تبلیغ میشد ما در دورانی از دموکراسی‌ها در کشورهای آزاد و دمکراتیک زندگی میکنیم که این احزاب هستن که مسیر دموکراسی را از طریق موسسات جامعه مدیریتش میکنند یعنی جامعه‌ی سیاسی ایران از این بابت تقریبا یک عقب گرد داشت تبدیل به دوران سلبریتها شد و این هم در واقع کمبود یا ضعف فرهنگ سازماندهی در میان بیشتر احزاب ایرانی نشون میده من امیدوارم که در آینده که این خیزش ها را من پیشبینی میکنم بتوانیم از این بابت از این تجارب استفاده بکنیم.

● **آقای عزیزی میپردازیم به اپوزیسیون ایران، ما نمیگیم که اپوزیسیونی وجود نداره یا مبارزه‌ی وجود نداره همانطوری که رژیم مرتب تبلیغ میکنه چون میخواد یک دلسردی ایجاد بکنه یک مبارزه‌ی واقعا وجود داره اپوزیسیون هم هست و ائتلافهای هم وجود داره اما این ائتلافات نتوانسته به اتحاد فراگیر تبدیل بشه و وقتی هم نگاه میکنی احساس میکنی که بیشتر به‌جای همکاری با همدیگر در حال رقابت منفی هستن و من میخوام ببینم چرا این اتحاد شکل نگرفته؟ جورج**

**تاون تشکیل شد به کجا رسید؟ و اخیرا هم شما در نشست جمهوری خواهان شرکت کردید، اگه در این مورد هم یکم توضیح بفرمایید.**

ببیند این بخش از سوال جنابعالی، میشه از سه منظر من روش صحبت بکنم بخش اول قضیه مربوط هست به پیشینه‌ی نبود دموکراسی در ایران و اصولا جریانها و سازمانهای بسیار ایدئولوژیک و گروهی و چریکی که در جریان انقلاب اسلامی ایران درست شدن معمولا در تقابل بودن با همدیگر جامعه‌ی ایران رو به شیوه‌ی پرورش دادن که تسویه حسابهای ایدئولوژیک بود بین طیفهای مختلف چپ و کومونیستی، اسلامی حتی طرفداران سلطنتی همه پس جامعه‌ی ایران دموکراسی را تجربه نکرده، جامعه‌ی ایران وارد فاز تمرین دموکراسی نشد، موقعی که من میگم که جامعه‌ی ایران پس این سازمانها و جریانات برآیندی از این واقعیت بوده‌اند و بعدا که اینها تو اروپا بودن طبیعتا دوباره براشون آسون نبود که از این گذشته‌ی خودشون فاصله بگیرند در جریان جنبش ژینا مهسا امینی ما این واقعیت عملا دیدیم از یک طرف منشور جورج تاون که عده‌ای با هم به توافق رسیدن که بیشتر شخصیتها بودن و از طرفی دیگر هم جریانهای که مخالف این منشور بودن در مورد منشور جورج تاون حقیقتش اینه اونجا یه برنده‌ی وجود داشت در سطح خودش آن هم رضا پهلوی بود. چرا؟ پهلوی این شانس براش پیش اومد از طریق میدیا یا تلویزیونهای فارسی زبان دقیقا خودش رو بروز بکنه قبل از جریان جنبش ژینا جریان پهلوی یا اونهای که طرفدار سلطنت بودند در معادلات سیاسی ایران به اون شکل موقعیتی نداشتند چرا ایشون توانستند ازش استفاده بکنند علتش همون بود که من قبلا اشاره کردم در میان منفردین ایرانی جو حزب زدایی بسیار گسترده بود پس موقعی که احزاب نتونن نقش خودشون رو بازی بکنن بلاخره در دنیای سوشیال میدیایی امروزی و تلویزیونها افراد میتونن جایگزین اونها باشند جریان منشور جورج تاون تا اونجای که به آقای پهلوی مربوط هست موقعی که در تلویزیونهای فارسی زبان صحبت میکرد حتی انگلیسی زبان یک چهره‌ی بسیار لیبرال و دمکراتیکی از خودشون نشون میدادن حتی بعضی مواقع به نمونه‌های تاریخی سیستم پادشاهی انگلستان و سیستم پادشاهی سوئد مراجعه میکرد که میتونست از نظرشون یک نمونه‌ی باشه برای آینده‌ی ایران ولی موقعی که اونجا را ترک میکرد متاسفانه جریانات سلطنت و طرفداران پادشاهی رو تحریک میکرد علیه جنبش دموکراسی و مخصوصا علیه جنبش کوردستان و از دیدگاه تمامیت‌خواهی و تمرکزگرایی یک تفسیر و تعبیری از ایران داشتند یا

از جنبش کوردستان یا از فعالیتهای بقیه داشتند که اگر اونا نباشن ایران به طرف تجزیه میرود که اصلا حقیقت نداشت دیگه دقیقا اونها اسباب عدم وجود وحدت در میان ایرانی ها شدند حتی در رابطه با موقعی که فعالیت بسیار زیادی در سطح اروپا وجود داشت که سپاه پاسدارن در لیست تروریستی قرار بدن ایشون دفاع کردند از سپاه پاسداران یعنی میخوام اینو بگم که اونا توانستند از برنامه‌ی منشور جورج تاون حداکثر استفاده رو ببرن و تا اندازه‌ی هم سبب بعضی انشعابات یا بعضی عدم وجود

وحدت در میان سازمانها و احزاب ایرانی گردید خود حزب دمکرات کوردستان ایران برنامه‌ش این بود که با هیچ جریانی از مخالفین جمهوری اسلامی وارد دشمنی نشه و اصولا اگر هم عملی باشه از تقابل پرهیز بکنیم وارد تعامل بشیم پس در این راستا طبق این برنامه‌ی حزب ما با جریانهای مختلف جمهوریخواه طیفهای مختلفی که در اروپا و آمریکا بودند وارد گفتگو و صحبت شدیم که تجربه‌ی جورج تاون رو اصولا تجربه‌ی مبارزاتی میتونه چ راهکاری را به ما بده نقشه‌ی سیاسی بعدی آینده‌ی ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی بایستی چطور باشه؟ ما این گفتگوها را ادامه میدهیم در حالا ادامه‌ش هستیم و من معتقد هستم که در آینده اصولا تجارب بیشتری میتونه کمک بکنه به این روند و به این پروسه.

●**آقای عزیزی حزب دمکرات کوردستان اولین و بزرگترین حزبی هست که اهداف و مطالبات ملی داره دبیرکل این حزب پیشوا قاضی محمد اولین رئیس جمهور کوردستان هم بودند تنها رئیس جمهور کوردستان که ما برحال دیدیم در ادامه هم این مطالبات ملی در حزب دمکرات همچنان همونطور که شما هم در سخنان خودتون بهش اشاره کردید که شما یک حزب ایدئولوژیک نیستید و دنبال مطالبات ملی هستید نسل جدید هم بدلیل اینکه شما هنوز در کوردستان فعالیت میکنی تشکیلات گسترده‌ی دارید که در انقلاب ژینا و تظاهراتی دیگر دیدیم که مردم در کوردستان شعار "قاسملو قاسملو راهت ادامه داره" رو سر دادند اما این نسل جدید خب یکی روی هم انتقاداتی رو به حزب دمکرات دارند و همچنین به شخص شما که در تعامل با جریانهای مرکزگرا و یا رسانه‌هاشون ارتباط و نساملتون زیاده، بزرگی ملت کورد و حزب دمکرات اونطوری که باید باشد نمی‌کنید چ جوابی برای نسل جوان کورد مطالبه‌گر دارید؟**

ببیند من در مرحله‌ی اول متوجه‌ی بخشی از این انتقادات شده‌ام در چگونگی تعامل حزب دمکرات یا حداقل که شما بهش اشاره کردید خود من که بیشتر در گفتگو و مذاکره با جریانهای ایرانی بودم یا عملا در تلویزیونهای فارسی زبان حضور داشتم من همیشه به انتقادات توجه میکنم فلسفه‌ی پیدایش وجود یا تاسیس حزب دمکرات نزدیک به ۸۰ سال قبل مسئله‌ی ملی بود اگه در ایران و در کوردستان ایرانی وجود نداشت طبیعتا حزب دمکرات با این هویت و ماهیت درست نمیشد بنابراین اصل بر دفاع از هویت ملی و اصل بر دفاع از حقوق ملی خودمون است ولی ما یک حزب سیاسی هستیم برای اینکه بتونیم این پروژه را انجام بدیم بایستی راه‌کار داشته باشیم راه‌کار ما اینه که این مسئله را در چهارچوب ایران دنبال حلش هستیم. و در این رابطه بی تفاوت نبودیم پس محدوده‌ی جغرافیای یا بستر جغرافیای حل این مسئله خود ایران است ما مجبور هستیم و لازمه و اصولا بایستی با سازمانهای غیره کوردی در ایران و با ملت های مختلف در داخل ایران رابطه‌ی بسیار خوبی داشته باشیم در جریان جنبش ژینا ما تا اندازه‌ی این تقابل بین همونطور که اشاره کردم جریان بیشتر در جریان سلطنت طلب و فعالین کورد در داخل ایران دیدیم نسل جوان امروز ادامه‌ی همون ایده‌ها، همون

اندیشه‌های ملی میکنه که پیشوا قاضی محمد شروع کرد و دکتر قاسملو تقریبا میشه گفت به شیوه‌ی بهش جهت داد و تا اندازه‌ی زیادی در جامعه‌ی کوردستان خوشبختانه نهادینه شده ولی در عین دفاع از این حق و حقوق و هویت و مسئله‌ی ملی در داخل ایران ما بایستی این واقعیت را نیز قبول بکنیم دنبال دوست باشیم دنبال این باشیم مخاطب داشته باشیم مسئله‌ی ملی در کوردستان ایران و اصولا برنامه‌ی ما و گفتمان ما علیه ملت فارس نیست علیه ملت تورک نیست و ما بایستی دنبال بیشترین و بهترین رابطه‌ی خوب میدانی و فرهنگی و سیاسی با این دو ملت باشیم. یعنی در آینده‌ی ایران در بازسازی آینده‌ی ایران بایستی هم ملت فارس هم ملت تورک و کورد و بقیه بتونن پایه‌های دموکراسی و عدم تمرکز و اصولا اداره‌ی مشترک ایران را پایه‌ریزی بکنند من درک انتقادات یا اصولا دیدگاه یا گفتمانی رو میکنم و احساس میکنم در کوردستان ایران وجود داره بخشی از این گفتمان همونطور که اشاره کردم به شیوه‌ی واکنش جوانان کورد است در کوردستان ایران علیه افکار تمامیت خواهی که در سطح ایران و در خارج از کشور در میان بعضی از جریان ها وجود داره این واکنش ها کاملا طبیعی هستند پس این میتونه پیغامی داشته باشه برای جریان ها و سازمانها و احزاب غیره کورد اگه مسئله‌ی کوردستان رو درک نکنند اگه واقعیات این مبارزه را درک نکنند اگه به گذشته‌ی این مبارزه و فداکاری هاش احترام نگذارند در آینده‌ی ایران این اونها هستند که مسئول مشکلات ایران هستند بعضی مواقع میگن کوردها تجزیه‌طلب هستن نه بلعکس اونها هستن که تجزیه‌طلب هستن اگه تهران قرار باشه جذاب نباشه در بعد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، ملی برای کوردها و کوردها در داخل ایران سهمی نداشته باشن چرا باید کاسه‌ی داغتر از آش باشند؟ یعنی من فکر میکنم دوران تقابل بایستی سپری بشه و ما وارد دوران تعامل بشیم و تعامل هم یک بازی چند گانه یا دوگانه‌ی هست طرفین بایستی همدیگر را به شیوه‌ی که هستند قبول بکنند من امیدوارم دوباره مبارزات ما در کوردستان ایران مخصوصا حضور جوانان کورد به مناسبتهای مختلف تحمل اعدام و شکنجه و بی امنیتی کردن کوردستان در هر چهارچوب همچون سیاستی ادامه داشته باشه.

●**آقای عزیزی با وجود همه فشارهای که علیه ما شاهد هستیم و همچنین موشک پراکنی های رژیم به اقلیم کوردستان و ترورهای که اونجا هست و خیلی مسائل دیگه آیا حزب دمکرات باز هم به مبارزه‌ی خودش ادامه میده آیا رژیم توانسته خللی در اراده‌ی شما و پیشمرگان حزب دمکرات ایجاد بکنه؟**

ببینید مبارزه‌ی حزب دمکرات یک مبارزه‌ی چریکی بیست سی نفر نیست که اسلحه برداشتند و وارد مبارزه شده‌اند نه، مبارزه‌ی یک ملته حزب دمکرات مردم کورد در کوردستان ایران درستش کردند نهادینه شده مدافع خواسته‌های ملی مردم کوردستان هست در چهارچوب ایران، با وجود تلافات بسیاری زیادی که دادیم رهبرانمون رو ترور کردند به دار بستند موشک بارانمون کردند کوردستان را امنیتی کردن اونجا اعدام میکنند ولی این مبارزه هنوز ادامه داره و در آینده هم ادامه خواهد داشت. مسئله مسئله‌ی حزب دمکرات یا یک حزب سیاسی نیست.

### ادامه صفحه ۱

رژیم در رابطه با موضوع هسته‌ای و نیز جامعه‌ی جهانی و جنگ آفروزیهایی که در منطقه انجام می‌دهد، داسته باشد. به همین دلیل در این باصطلاح انتخابات نیز حفظ ماهیت ایدئولوژیک نظام وعدم تمکین در مقابل خواستهای مردم درصد کلیه‌ی اولویتهای خامنه‌ای و رژیمش قرار دارند.

اما در رابطه با موضع و دیدگاه خلقهای ایران نسبت به این انتخابات باید گفت که اکثریت قریب به اتفاق مردم کمترین اعتمادی به این رژیم و اعتقادی به تغییر در این سیستم ندارند. همین سه ماه پیش بود که مردم عموما انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری در ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ را بایکوت کرده و با نرفتن به پای صندوقهای رأی "ته" بزرگ دیگری به جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. حزب دمکرات کوردستان ایران ضمن اعتماد به موضع مردم در قبال انتخابات ریاست جمهوری و پیشاهنگی مردم هشیار کوردستان در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران، نرفتن به‌پای صندوقهای رأی و موضع تحریم انتخابات را درست و بجا می‌داند.

حزب دمکرات کوردستان ایران بمنظور حمایت از مبارزه‌ی حقلطلبانه‌ی خلقهای ایران و [نه] گفتن قدرتمند دوباره‌ی دیگر به این رژیم و گام برداشتن بسوی اتحاد و تحولات ریشه‌ای و دمکراتیک برای ایران آینده، از کلیه‌ی نیروها و جریانهای اپوزیسیون و مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد که سیاست بایکوت انتخابات و ترغیب کلیه‌ی اقشار و طبقات مردم ایران به "ته" گفتن دیگری به رژیم را درپیش گیرند. در همین رابطه جریانهای گوناگون داخل کشور و شخصیتهای تأثیرگذار سیاسی و مدنی که در شرایط فعلی حاکم بر کشور بیشترین زیانها و خسارات را متحمل گشته‌اند، با تاسی به شعار زن، زندگی، آزادی رژیم جمهوری اسلامی را ناکام بگذارند. در همینجا از تمامی جریانها و شخصیتهای داخل کشور نیز که در دورانی تحت عنوان و افکار گوناگون فعال بوده و در روند جنبش زن، زندگی، آزادی به حق جبهه‌ی مردم را انتخاب کرده و بصراحت از عملکرد سرکوبگرانه‌ی رژیم انتقاد کردند، می‌خواهیم که با عبور فرد یا افراد تا حدودی متفاوت از فیلتر شورای نگهبان -آنهم تنها برای بازارگرمی و افزایش سطح مشارکت مردم- دچار شک و تردید نگردند. آوردن شخص تا حدودی متفاوت از دست‌نشانندگان دیگر بیت رهبری، به مفهوم اعتقاد این رژیم به تکثر و کاهش شکاف میان تمایزات نیست، بلکه تنها توطئه‌ای است برای افزایش سطح شرکت مردم در انتخابات و استفاده‌ی تبلیغاتی دست‌اندرکاران این رژیم.

بنابراین در این مرحله از رویارویی مردم و رژیم، کلیه‌ی نیروهای سیاسی و شخصیتهای داخل و خارج از کشور باید متحدانه با در پیش گرفتن سیاست بایکوت و نرفتن به‌پای صندوقهای رأی، جبهه‌ی خلق را تقویت نمایند و همچون تجربه‌ای از تأثیر اتحاد و اشتراک مساعی، به نقشه‌ی راهی همه شمول و متحدانه برای آینده‌ی جنبش حق طلبانه‌ی خلقهای ایران بیاندیشیم.

**حزب دمکرات کوردستان ایران**  
**مرکز اجرایی**  
**۱۴۰۳/۳/۲۳**

# انتخابات فرمایشی: بحران مشروعیت و انحلال ایدئولوژی رژیم را تغییر نخواهد داد!



طول بیش از چهار دهه گذشته که رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است، این ملت‌ها مدام از حقوق ملی خود محروم بوده و مورد انکار قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه با بکارگیری سیاست‌های مخرب و تبعیض آمیز به طور نظام‌مند تلاش کرده است تا هویت ملی، فرهنگی و زبانی این ملل را تضعیف کند. به عنوان مثال، هویت ملی ملل غیر فارس انکار و آموزش زبان مادری ملت‌های غیر فارس در مدارس ممنوع بوده، از سوی دیگر نیز امکانات اقتصادی و اجتماعی کمتری به این مناطق اختصاص داده شده است که تأثیرات مخرب این تبعیض بر اقلیم‌های ملی ملل غیر فارس نمایان و غیرقابل انکار می‌باشد. از طرف دیگر، در ایدئولوژی ولایت فقیه که رژیم اسلامی بر آن بنا نهاده شده است، زنان به عنوان بخشی اساسی از جمعیت در ایران نه تنها از آزادی‌های مشروع خود محروم بوده، بلکه در عرصه‌های گوناگون و بخصوص در راستای شرکت در امور جامعه به طور

مدنی، حقوق بشر، محدود کردن رسانه‌ها و اینترنت و... غیره نیز نمونه‌های دیگری از این سرکوب‌ها هستند که باعث میشوند مردم احساس کنند که حکومت به جای حمایت از حقوق آنها، در تلاش است تا صدای آنها را خاموش کند.

نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی نیز می‌توانند نقش مهمی در ایجاد بحران مشروعیت نظام‌های سیاسی ایفا کنند. به این معنا، اگر مردم احساس کنند که توزیع منابع و فرصت‌ها عادلانه نیست و تنها گروه‌های خاصی از امتیازات ویژه برخوردار هستند، می‌تواند اعتماد و اعتبار نظام سیاسی را در میان مردم کاهش دهد. در این رابطه نیز می‌توان گفت که نابرابری در دسترسی به آموزش، بهداشت، و فرصت‌های شغلی برخی دیگر از عوامل افزایش تنش‌های اجتماعی و نارضایتی عمومی هستند، این موضوع به ویژه در جوامع کثیرالملل و جوامعی که تفاوت‌های ملی، فرهنگی، زبانی یا مذهبی وجود دارد، می‌تواند بیشتر نمود پیدا کند.

در این رابطه می‌توان گفت که بحران مشروعیت نه تنها به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی در جامعه منجر خواهد شد، بلکه کاهش اعتماد عمومی به حکومت باعث میشود که مردم کمتر به قوانینی را که حکومت در راستای حفظ قدرت بر مردم اعمال کرده است احترام بگذارند و همچنین تمایل بیشتری به نافرمانی و اعتراضات گسترده علیه حکومت پیدا خواهند کرد. به این معنا که بی‌ثباتی می‌تواند به چرخه‌ای از سرکوب و نارضایتی منجر شود که در آن حکومت برای حفظ قدرت به سرکوب بیشتر متوسل خواهد شود، اما این سرکوب‌ها نیز به نوبه خود نارضایتی و بحران مشروعیت را تشدید میکنند و در واقع نه تنها شکاف عمیقی را در میان دولت و جامعه مردم ایجاد خواهد کرد، بلکه این دو را بعنوان رقیب در برابر هم قرار میدهد.

با اینکه در شرایط فعلی بحران مشروعیت رژیم اسلامی بیش از هر زمان در جامعه کثیرالملل ایران به چشم می‌خورد، ولی این بحران ریشه‌های عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... غیره دارد. به این معنا که بحران مشروعیت رژیم اسلامی نتیجه مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... است که در طی دهه‌های گذشته به تدریج تقویت یافته و به وضعیت کنونی منجر شده است. به همین دلیل انتخابات، بعنوان نمادی از فرآیندهای دموکراتیک، نمیتواند این بحران را در جامعه ایران که یک نظام دیکتاتور مذهبی، سرکوبگر، اقتدارگرا و باورمند به تروریسم بر آن حکومت میکند را تغییر دهد. برای بررسی این موضوع، باید به عامل کلیدی زیر توجه کرد:

ساختار جمعیتی ایران تنوعی از ملل مختلف را در خود جای داده است که ملت‌های کورد، آذری، عرب، بلوچ، ترکمن و غیره بخشی از آن می‌باشند. بر اساس برخی آمارها، بیش از 50 درصد، یعنی نیمی از جمعیت ایران را این ملل غیر فارس تشکیل می‌دهند. با این حال، در



حسام احمدی

بحران مشروعیت یک نظام سیاسی دولت به وضعیتی اطلاق میشود که در آن اعتماد و اعتقاد عمومی به مشروعیت و حقانیت حکومت به شدت کاهش می‌یابد. مشروعیت به این معنا که مردم به صورت عمومی قبول کنند که حکومت حق در دست گرفتن قدرت را داشته باشد و قوانین و سیاست‌های آن را اجرا کند. هنگامی که این اعتماد و قبول عمومی تضعیف میشود، نظام با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد. این بحران می‌تواند از طریق چندین عامل به وجود آید و تأثیرات گسترده‌ای بر ثبات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی کشور داشته باشد.

یکی از عوامل اصلی ایجاد بحران مشروعیت حکومت و قدرتهای سیاسی در جوامع گوناگون، عدم پاسخگویی و شفافیت حکومت در قبال مردم و جامعه است. وقتی دولت نتواند به نیازها و خواسته‌های مردم پاسخ دهد، یا در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد خود شفاف نباشد، اعتماد عمومی کاهش می‌یابد. فساد گسترده، ناکارآمدی در مدیریت منابع، و بیتوجهی به مشکلات مردم می‌تواند این احساس را تقویت کند که حکومت به جای خدمت به مردم، به منافع خود و از طریق اهمیت دادن به بهره‌های درون حکومتی و گروه و نهادهایی که در سرکوب مردم نقش ایفا میکنند توجه دارد که این موضوع به نارضایتی عمومی و کاهش و حتی پایان مشروعیت حکومت نیز منجر میشود. از سوی دیگر سرکوب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، انکار هویت ملی در جوامع کثیرالملل نیز میتواند جزو عوامل تأثیرگذار بر ایجاد شکاف میان مردم و حکومت باشد که در واقع بحران مشروعیت قدرت سیاسی و دولت را در اقلیم‌های ملی و ملت‌های تحت ستم که هویت و حقوق برابر آنان انکار شده است را تشدید کند. به بیانی دیگر، در جوامعی که مردم از حقوق اولیه خود مانند آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زبانی و... غیر محروم می‌باشند، آزادی بیان وجود ندارد و بیان کردن خواسته‌های مشروع مردم حبس، شکنجه و حتی اعدام افراد را به دنبال داشته باشد، تجمعات مسالمت‌آمیز و تبعیض‌های ملی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی جنسیتی در بالاترین سطح و بعنوان یک بحران خود را نمایان میکند، مشروعیت و جایگاهی برای قدرت سیاسی و حکومت در این جامعه وجود نخواهد داشت و حکومت دیگر نمیتواند خود را نماینده مردم تلقی کند. همچنین سرکوب و دستگیری فعالان سیاسی،

توجه به ترکیب مهره‌های حکومتی، می‌توان گفت که معیار اصلی برای کاندیدا بودن در پست‌های مهم حکومتی، نقش داشتن افراد کاندید شده در سرکوب، جنایت و کشتار مردم است. به بیان دیگر، هر کس که در این رابطه پرونده جنایاتش سنگین‌تر باشد، از اهمیت بیشتری برای جمهوری اسلامی برخوردار خواهد بود و شانس تأیید صلاحیت او برای کاندیدا شدن بیشتر خواهد داشت. این رویکرد نشان‌دهنده اولویت‌بندی حکومت بر اساس تداوم بخشیدن رژیم به ماشین سرکوب مخالفان و دگراندیشان است.

این بیانگر واقعیتی است که مردم ایران در زندانی بزرگ به نام جمهوری اسلامی به سر می‌برند و هر روز شاهد قربانی شدن افراد جامعه به دست این رژیم هستند و این سرکوب مداوم و نظام‌مند باعث ایجاد جوی از ترس و بی‌اعتمادی در جامعه شده است. به این معنا که بسیاری از مردم ایران احساس می‌کنند که از حقوق شهروندی خود محروم و در زندانی بسر می‌برند که در آن آزادانه نظر خود را بیان کردن یا در روند سیاسی کشورشان تأثیرگذار بودن قربانی بودن آنها را به دنبال خواهد داشت. در این وضعیت، انتخابات به جای اینکه فرصتی برای تغییر و بهبود شرایط باشد، به ابزاری برای تثبیت قدرت و ادامه سرکوب تبدیل خواهد شد و کسانی که در این نظام به پست‌های کلیدی می‌رسند، معمولاً کسانی هستند که نقش فعال‌تری در سرکوب اعتراضات و مخالفت‌ها داشته‌اند. مردم ایران با حکومتی مواجه هستند که نه تنها به خواسته‌های آنها بی‌اعتناست، بلکه به طور فعالانه تلاش می‌کند تا هرگونه مخالفت و اعتراض را سرکوب کند. این وضعیت باعث افزایش نارضایتی و احساس بی‌عدالتی در جامعه شده است. اگر رژیم به این روش ادامه دهد، فشارهای داخلی بر آن افزایش خواهد یافت و ممکن است در نهایت منجر به تحولات بنیادین

آزادی، رفاه و حل مشکلات جامعه شود، از سرکوب و خشونت استفاده نموده است که در کل این سیاست سرکوبگرانه رژیم نه تنها بقای اعتبار و ایدئولوژی رژیم را به دنبال نخواهد داشت، بلکه می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی و اعتراضات مردم علیه رژیم و ایدئولوژی تبعیض آفرین ولایت فقیه در آینده شود.

در این راستا می‌توان گفت که رژیم جمهوری اسلامی اکنون خود را در برابر جامعه‌ای می‌بیند که ماهیت رژیم را قبول ندارند و به دنبال فرصتی برای اقدام و عملکردی فراگیر هستند که منجر به پایان این رژیم شود. اعتراضات گسترده و مداوم، که از همه اقشار جامعه و به خصوص زنان و جوانان برخاسته است، نشان می‌دهد که جامعه ایران به دنبال تغییرات اساسی و بنیادین است. با اینکه حکومت به جای پاسخگویی به این خواسته‌ها و حقوق مردم، به شدت به سرکوب متوسل شده، اما این اقدامات می‌تواند افزایش نارضایتی‌ها و مقاومت مردم در برابر سیاست سرکوب رژیم را در پی داشته است. به همین دلیل در این شرایط، نمی‌توان ادعا کرد که انتخابات ریاست جمهوری بعد از مرگ مشکوک "ابراهیم رئیسی" می‌تواند به کاهش مشکلات و نارضایتی‌های موجود کمک کند. زیرا اعتماد عمومی به انتخابات و نهادهای حکومتی به شدت کاهش یافته و بسیاری از مردم معتقدند که انتخابات تحت کنترل و مهندسی شده است، آنها باور دارند تغییرات اساسی و مورد نیاز جامعه ایران از طریق انتخابات با ماهیت ایدئولوژی رژیم در تضاد هستند، بنابراین نیازهای مردم و جامعه با ماندگاری این نظام قابل دستیابی نیستند و این انتخابات به احتمال زیاد نه تنها تأثیری بر کاهش بحران‌ها و مشکلات جاری نخواهد داشت، بلکه شکاف موجود میان مردم و رژیم را بیشتر خواهد کرد.

یکی دیگر از موضوعات قابل توجه در نظام جمهوری اسلامی، روند تأیید کاندیداهای انتخاباتی است. در این نظام، با

# نمایش انتخابات در سایه "همستر"



رضا دانشجو

مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی تدارکاتچی دستگاه ولایت فقیه جدا از همه ابهامات مطرح شده درباره آن، تنها چیزی که برای عموم مردم ایران به همراه داشت موجبات مسرت و بساط ملعبه و طنز بود. او به عنوان درحاشیه ترین رئیس جمهور دوران جمهوری اسلامی را مردم بیشتر از هر چیزی به خاطر غلط های بی شمار گفتاری به خاطر می آورند. او که با کمترین میزان مشارکت مردم و در یک شبه انتخابات تمام فرمایشی رئیس جمهور شد هرگز نتوانست در عمر کوتاه کاری اش شخصیتی مستقل از خود نشان دهد.

رئیس جمهوری که نه انتصابش به عنوان تدارکاتچی علی خامنه ای برای مردم اهمیتی داشت نه مرگ رمزآلودش! دلیل مرگ رئیسی هرچه باشد شرایط جمهوری اسلامی را تغییر نخواهد داد. نه سیرک انتخابات می تواند آبروی بر بادرفته نظام را برگرداند نه تقلای جریان مرده اصلاح طلب تائیری در زنده نمودن جسد بی جان جمهوری اسلامی خواهد داشت. آغاز سیرک به نام انتخابات رژیم که با هجوم گله ای کارگزاران رژیم همراه بود نشان داد رژیم هیچ گزینه جدید برای ارائه به اندک جماعتی که هنوز امیدوار به اصلاح جمهوری اسلامی هستند ندارد. ثبت نام وزیر، نماینده مجلس و استاندار و نشان داد برعکس دوره های قبلی حالا جمهوری اسلامی حداقل دیسپلین های داخلی خود را هم برای پروسه به نام انتخابات از دست داده است. در غیاب سبزواری رضایی میرقواعد کاندید همیشگی ریاست جمهوری! از محمود تا خالی باف همه برای خدمت صف کشیدند. ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی این واقعیت برای همه مشخص نمود که جمهوری اسلامی و

در راس آن ولی فقیه دیگر حتی آن رقابت پیش افتاده درون گروهی رژیم را هم بر نمی تابد، رئیس جمهور از داخل بیت رهبری انتخاب می شود!

انتشار نتایج احراز صلاحیت از سوی شورای نگهبان رهبری نشان داد که این بار نظر آقا به کدام سمت معطوف شده است! از قرار معلوم این بار بساط خیمه شب بازی بیت رهبری باز بازخوانی انتخاب رئیسی کمی در چینش عروسک ها تجدید نظر کرده و نیم نگاهی به نوکران بی اراده دیروز و جریان به اصطلاح، اصلاح طلب دارد. جریانی که در سال های اخیر به قهقرا رفته و اینک به امید جلب توجه

تئوری بد و بدتر، نقش مخرب خود را در بقای جمهوری اسلامی ایفا نکنند. در کنار آن باید به موضوع رد صلاحیت کسانی مانند محمود احمدی نژاد و علی لاریجانی اشاره کرد. این موضوع بار دیگر به خوبی نشان داد که از دیدگاه ولایت فقیه هر نوکری یک تاریخ مصرفی دارد و با انقضای آن دیگر فرصتی برای عرض اندام نخواهد بود. ضمن اینکه باید به نکته مهم اشاره کرد که جناب ولی فقیه به هیچ عنوان دوست دارد نوکرانش فرصت نمایش خود را داشته و برای خود اعتبار کسب کنند. سرنوشت همه روسای جمهوری بعد از اتمام دوره شان بیانگر این واقعیت است.

برای دور نگه کردن از پروسه انتخابات عنوان کرد. فتوای تنی چند از روحانیون شیعه در مورد حرام بودن این بازی هم از نکات عجیب این روزهاست.

حیرت انگیز است وقتی مردم یک کشور بی اعتنا به پروسه انتخابات رئیس جمهور کشورشان که طبق قانون شخص دوم مملکت است! ترجیح می دهند با یک بازی خود را سرگرم کنند! این دست پخت چهل و چند ساله جمهوری اسلامی است! دوگانه مردم و حاکمیت! مردمی کاملاً بی اعتقاد به هر آنچه حکومت می گوید و در مسیری کاملاً متضاد با حاکمیت! سیرک انتخابات رژیم به طرز بی سابقه ای تحت

**دلیل مرگ رئیسی هرچه باشد شرایط جمهوری اسلامی را تغییر نخواهد داد. نه سیرک انتخابات می تواند آبروی بر بادرفته نظام را برگرداند نه تقلای جریان مرده اصلاح طلب تائیری در زنده نمودن جسد بی جان جمهوری اسلامی خواهد داشت. آغاز سیرک به نام انتخابات رژیم که با هجوم گله ای کارگزاران رژیم همراه بود نشان داد رژیم هیچ گزینه جدید برای ارائه به اندک جماعتی که هنوز امیدوار به اصلاح جمهوری اسلامی هستند ندارد.**

انتشار لیست تایید صلاحیت شدگان نه تنها کسی را متعجب کرد بلکه اساساً با هیچ واکنشی از سوی توده های مردم مواجه نشد. بی توجهی به کلیت پروسه انتخابات تا آنجا پیش رفت که فرمانده ارتش رژیم جمهوری اسلامی در سخنانی بازی "همستر" ساخته دست دشمنان و

تأثیر یک بازی قرار گرفته است و حتی توان رقابت با یک بازی ساده را ندارد. این یعنی اوج تضاد بین حاکمیت و مردم!

مردم خسته و ناامید از رژیم و همه گزینه های تکراری آن، حالا ترجیح می دهند به امید رسیدن به سودی اندک حتی چند دلار! روز و شب با انگشت بر صفحه

احترام بگذارد و قادر به پاسخگویی به مشکلات و نیازهای جامعه باشد و این خواست با وجود رژیم اسلامی و ایدئولوژی تبعیض آفرین ولایت فقیه در تضاد و میتوان گفت بدون پایان دادن به جمهوری اسلامی، خواسته های مردم روئیایی تحقق نیافته خواهند بود.

در این رابطه اگر نگاه کوتاهی به کاندیداهای تایید صلاحیت شده توسط رژیم برای انتخابات ریاست جمهوری در سال 2024 ببیند، چهره کسانی مانند محمد باقر قالیباف، به عنوان رئیس مجلس و شهردار سابق تهران که سابقه طولانی در خدمت به سیاست سرکوب رژیم را دارد و چندین بار در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و دارای حمایت قابل توجهی در میان اصولگرایان است.

"سعید جلیلی" که سابقه دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم را دارد و یکی دیگر از مهره های سرکوبگر رژیم تلقی میشود.

عرصه بین المللی بوجود آورده یا بحران مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی و انحلال ایدئولوژی ولایت فقیه در میان مردم را تغییر دهد، زیرا این بحران ها ناشی از عوامل عمیق و گسترده ای است که ریشه در ماهیت رژیم و ایدئولوژی تبعیض آفرین آن دارد. به این معنا که برگزاری انتخابات بدون اصلاحات ساختاری و بدون ایجاد فضای آزاد، دموکراتیک و عادلانه که با ماهیت رژیم اسلامی همخوانی ندارد، تنها به عنوان یک نمایش ظاهری عمل خواهد کرد و نمیتواند اعتماد عمومی و مشروعیت نظام را بازگرداند، به همین دلیل میتوان اینگونه پیشبینی کرد که با گذشت زمان شاهد انحلال ایدئولوژی و پایان مشروعیت رژیم خواهیم بود. از سوی دیگر، با ادامه سیاست های سرکوبگرانه و عدم پاسخگویی به خواسته های مشروع مردم، فاصله بین دولت و مردم بطور فزاینده ای بیشتر خواهد شد. این وضعیت میتواند به

گوشی خود ضربه بزنند اما حاضر نیستند فقط یکبار آن انگشت به مهر شرکت در انتخابات رژیم آغشته کنند!

جمهوری اسلامی ناتوان از تهییج مردم مطابق معمول با دروغ پراکنی و استفاده ابزاری از دین و رسانه ها می خواهد از این آبروریزی فرار کند. اینک حتی کارت سوخته اصلاح طلبی هم نمی تواند مشکلی از این رژیم در حال سقوط حل کند.

حالا "همستر" و تلاش برای بدست آوردن چند دلار بیشتر برای مردم کوچه و خیابان اهمیتی به مراتب بیشتر از انتخاب رئیس جمهور آینده جمهوری اسلامی دارد! این بها و ارزش جمهوری اسلامی در نگاه توده های مردم است! رژیمی که برای ماندن بیشتر دست به دامان نوکران قدیمی اصلاح طلبش شده و چوب حراج بر همه داشته های گذاشته، اما هیچ کس حتی قیمت هم نمی پرسد! این پایان مسیر مردم و حاکمیت است! دیگر هیچ چیز مردم را به پای صندوق های رای بر نمی گرداند. سیرک انتخابات جمهوری اسلامی دیگر مفت هم نمی ارزد! حالا انتخاب مردم از میان جلیلی، قاضی زاده، زاکانی، پزشکیان، پورمحمدی و قالیباف، "همستر" است!!

افزایش اعتراضات و ناراضی های عمومی منجر شود، زیرا تاریخ نشان داده است که سرکوب ناراضی ها و اعتراضات مردمی تنها بطور موقت میتواند ثبات ایجاد کند و در بلندمدت به تشدید بحرانهای اجتماعی و سیاسی منجر میشود.

در پایان، آینده جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام دیکتاتور مذهبی که بر ایدئولوژی غیر قابل اصلاح و تغییر ناپذیر ولایت فقیه بنا شده است را اینگونه میتوان پیشبینی کرد که انتخاب مهندسی شده بین مهره های رژیم نه تنها تغییر مثبتی در راستای رفاه مردم و تحقق آزادی های مشروع مردم به دنبال نخواهد داشت، بلکه تشدید بیشتر بحران های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... غیره در عرصه داخلی منجر به احتمال وقوع اعتراضات بیشتر و پایان مشروعیت و انحلال ایدئولوژی رژیم خواهد شد.

## ادامه صفحه ۴

# بیهودگی مشارکت در اقتدارگرایی انتخاباتی



آزاد مستوفی

را ارائه می‌دهد که از انتخابات نمایشی برای حفظ سیطره خود بر قدرت استفاده میکند. علیرغم وجود فرآیندهای انتخاباتی، نظام سیاسی در ایران به شدت تحت سلطه ولایت فقیه و نهادهای امنیتی است که اهرمهای واقعی قدرت را در دست دارند. از انقلاب ۱۳۵۷، ایران یک نظام سیاسی پیچیده را ایجاد کرده است که عناصر تئوکراسی و جمهوریخواهی را با هم ترکیب میکند. در حالیکه در کشور انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شورای شهر به طور منظم برگزار می‌شود، قدرت فراگیر آیت الله خامنه‌ای که با رای مردم انتخاب نمی‌شود اساساً ماهیت دموکراتیک این فرآیندها را تضعیف میکند. شورای نگهبان، نهادی غیر منتخب که توسط رهبر منصوب میشود، صلاحیت بررسی نامزدهای انتخاباتی را دارد و غالباً کسانی را که به اندازه کافی مطیع خامنه‌ای نیستند، رد صلاحیت میکند.

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۱ در ایران به عنوان نمونه اخیر یک انتخابات نمایشی بود. ابراهیم رئیسی، روحانی تندرو که مطیع خامنه‌ای بود در انتخاباتی که با حضور سی درصدی رای دهندگان و رد صلاحیت تعداد زیادی از نامزدهای جناحهای دیگر بود، به عنوان رئیس جمهور انتخاب نه بلکه تعیین شد. تصمیم شورای نگهبان مبنی بر ممانعت از نامزدی بسیاری از نامزدهای برجسته، بر کنترل رژیم بر روند انتخابات و ماهیت از پیش تعیین شده انتخابات را بیشتر عیان کرد.

## بیهودگی مشارکت

شرکت در انتخابات نمایشی در رژیم‌های تمامیتخواه مانند ایران اغلب به چند دلیل بیهوده است:

۱- نتایج از پیش تعیین شده: نتایج چنین انتخاباتی معمولاً توسط رژیم حاکم از پیش تعیین میشود و عمل رای دادن را به یک امر رسمی تبدیل میکند. رای دهندگان تأثیر اندکی -آنهم بنابر دلخواه حاکمیت- بر توزیع واقعی قدرت دارند.

۲- عدم انتخاب واقعی: رد صلاحیت نامزدهای جدا اندیش و تسلط نامزدهای مورد تایید رژیم، انتخاب رای دهندگان را محدود میکند. این فقدان رقابت واقعی، جوهر انتخابات دموکراتیک را تضعیف میکند.

۳- سرکوب مخالفان: شرکت در این انتخابات میتواند ناخواسته به تاکتیکهای سرکوبگرانه رژیم مشروعیت بخشد. رای دادن، شهروندان به عنوان تایید کننده یک سیستم معیوب و ناعادلانه میتواند موقعیت کسانی را که میخواهند از تغییرات واقعی برای دموکراسی حمایت کنند؛ تضعیف کند.

۴- مدیریت تصویر بین المللی: با برگزاری انتخابات، حتی اگر ناقص باشد، رژیم‌ها می‌توانند ظاهری از رویه دموکراتیک را حفظ کنند که می‌تواند برای منحرف کردن فشار و انتقاد بین المللی مورد استفاده قرار گیرد. بهانه ای برای ادعای پایبندی به هنجارهای دموکراتیک در تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی فراهم می‌کند.

## اقتدارگرایی انتخاباتی:

«اقتدارگرایی انتخاباتی» اصطلاحی است که آندریاس شیدلر برای توصیف رژیمهایی ابداع کرد که انتخابات منظمی

این تاکتیکهای دستکاری تضمین میکند که نتایج انتخابات قابل پیشبینی است و همیشه به نفع حزب حاکم یا رهبران فعلی است. این قابل پیشبینی بودن نشانه اقتدارگرایی انتخاباتی است.

## نمونه‌هایی از اقتدارگرایی انتخاباتی

چندین کشور مفهوم اقتدارگرایی انتخاباتی را تداعی میکنند:

۱- روسیه: در زمان ولادیمیر پوتین، روسیه انتخابات منظمی را برگزار میکند اما این انتخابات با بی نظمیهای قابل توجه، کنترل رسانه‌ها و محدودیتهایی بر نامزدهای اپوزیسیون خدشه دار میشود. نتایج به شدت به نفع حزب حاکم منحرف شده است.

۲- ونزوئلا: انتخابات در دوران هوگو چاوز و جانشین او نیکلاس مادورو با اتهامات گسترده تقلب، دستکاری و سرکوب مخالفان سیاسی مشخص شده است. روند انتخابات برای حفظ تسلط رژیم بر قدرت و در عین حال ارائه تصویری از مشروعیت دموکراتیک استفاده شده است.

۳- ایران: نظام سیاسی ایران شامل انتخابات منظم ریاست جمهوری و مجلس است. با این حال، شورای نگهبان، یک نهاد غیر منتخب، کاندیداهایی را که به اندازه کافی به خامنه‌ای وفادار نیستند، بررسی و رد صلاحیت میکند و تضمین میکند که رقابت سیاسی واقعی خفه میشود.

## پیامدهای دموکراسی

اقتدارگرایی انتخاباتی چالشهای مهمی را برای پیشرفت دموکراسی واقعی ایجاد میکند. این امر اصول دموکراتیک اصلی انتخابات آزاد و منصفانه، کثرت گرایی سیاسی و پاسخگویی را تضعیف میکند. این رژیم‌ها با حفظ تله‌های دموکراسی و در عین حال خالی کردن عناصر اساسی آن، می‌توانند قدرت خود را تثبیت کنند و در برابر فشارها برای اصلاحات دموکراتیک معنادار مقاومت کنند.

مفهوم «اقتدارگرایی انتخاباتی» -Sche-dler چارچوبی حیاتی برای درک چگونگی استفاده رژیم‌های اقتدارگرای معاصر از انتخابات برای تداوم ارائه میکند. حکومت آنها این پارادوکس برگزاری انتخاباتی که فاقد محتوای واقعی دموکراتیک است را

برجسته میکند و دستکاری استراتژیک به کار گرفته شده توسط این رژیم‌ها برای حفظ قدرت را آشکار میکند. شناخت و درک مکانیسمهای اقتدارگرایی انتخاباتی برای محققان و دست اندرکاران ترویج دموکراسی ضروری است زیرا بر نیاز به استراتژی‌های ظریف و خاص برای حمایت از توسعه دموکراتیک در چنین محیطهایی تأکید میکند. لاری دایموند -Larry Dia mond، جامعه شناس آمریکایی (۱۹۵۱-۲۰۱۴)، بر اهمیت جامعه مدنی پویا در به چالش کشیدن رژیم‌های استبدادی تأکید میکند. در محیطهایی که در آن انتخابات دستکاری میشود، سازمانهای جامعه مدنی نقش مهمی در حمایت از اصلاحات دموکراتیک واقعی، نظارت بر فرآیندهای انتخاباتی و بسیج شهروندان برای مطالبه مسئولیت دارند.

## تأثیر ناظران بین المللی

ناظران بین المللی می‌توانند به برجسته کردن تناقضات و بی نظمیها در انتخابات نمایشی کمک کنند. گزارشها و تحلیلهای آنها بررسی بیرونی ادعاهای رژیم در مورد مشروعیت دموکراتیک را ارائه میکند و میتواند از حمایت داخلی و بین المللی برای اصلاحات انتخاباتی حمایت کند. نمایش انتخابات در رژیمهای توتالیتر مانند ایران، اساساً تمرینهای ناقصی است که برای حفظ توهم دموکراسی و در عین حال تثبیت حکومت استبدادی طراحی شده است. شرکت در چنین انتخاباتی اغلب بی ثمر است زیرا نتایج از پیش تعیین شده است. انتخابها محدود و این روند به شدت توسط رژیم حاکم کنترل میشود.

برای اینکه تغییرات دموکراتیک معنادار رخ دهد، شناخت محدودیتهای شرکت در انتخابات نمایشی و تمرکز تلاشها بر تقویت جامعه مدنی، حمایت از اصلاحات انتخاباتی واقعی و حمایت از تلاشهای بین المللی برای پاسخگو کردن رژیمها بسیار مهم است. در مورد ایران، راه رسیدن به دموکراسی واقعی نه در شرکت در انتخابات ساختگی بلکه در خواست تغییرات بنیادی در نظام سیاسی و فرهنگی است که شهروندان را توانمند کند و حکومت دموکراتیک واقعی را تضمین کند و تداوم بخشد.

در چشم انداز سیاسی جهانی، انتخابات اغلب به عنوان مظهر تعامل دموکراتیک و سنگ بنای یک دموکراسی کارآمد در نظر گرفته میشود. ارکان حکومت بستری را برای شهروندان فراهم میکنند تا اراده خود را ابراز کنند، بر حاکمیت تأثیر بگذارند و رهبران را مسئول بدانند. با این حال، در رژیم‌های توتالیتر، انتخابات غالباً هدف دیگری را دنبال میکنند. آنها به جای اینکه ابزار واقعی دموکراسی باشند، دستکاری شده و به نمایشهایی صرف تبدیل میشوند که هدف آنها مشروعیت بخشیدن به رژیم و طرح توهم مشارکت دموکراتیک به جامعه بین المللی است. این مقاله به بررسی بیهودگی مشارکت در چنین انتخابات ساختگی با تمرکز ویژه بر ایران میپردازد و ماهیت انتخابات و دموکراسی در این زمینه‌ها را مورد بحث قرار میدهد.

## ماهیت انتخابات نمایشی

انتخابات نمایشی که به عنوان شبه انتخابات نیز شناخته میشود، با نتیجه‌ای از پیش تعیین شده، فقدان رقابت واقعی و کنترل فراگیر دولت بر روند انتخابات مشخص میشود. در رژیم‌های توتالیتر، این انتخابات با دقت سازماندهی میشود تا اطمینان حاصل شود که حزب حاکم یا رهبر، قدرت را حفظ می‌کند و در عین حال پوششی از مشروعیت را فراهم میکند. محققان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی استدلال میکنند که این انتخابات ابزاری است در حفظ کنترل استبدادی با شبیه‌سازی شیوه‌های دموکراتیک بدون واگذاری قدرت واقعی و برای نمایش قدرت به جناحهای داخلی و مماشاتگران بین المللی بیشترین استفاده را دارد.

به گفته آندریاس شیدلر، دانشمند علوم سیاسی (۱۹۶۱-آلمان) انتخابات نمایشی چندین کارکرد استراتژیک برای رژیم‌های استبدادی دارد:

۱- مشروعیت‌سازی: رژیم‌ها با برگزاری انتخابات سعی در مشروعیت بخشیدن به حاکمیت خود در سطح داخلی و بین‌المللی دارند. آنها به دنبال ایجاد ظاهری از حمایت مردمی و مشروعیت دموکراتیک هستند.

۲- جذب مخالفین: از انتخابات می‌توان برای همدستی و خنثی کردن مخالفان بالقوه با ادغام افراد یا گروه‌های منتخب در نظام سیاسی استفاده کرد و در نتیجه احتمال مخالفت را کاهش داد.

۳- جمع آوری اطلاعات: فرآیند انتخابات می‌تواند به عنوان ابزاری برای جمع آوری اطلاعات در مورد مردم، شناسایی تهدیدهای بالقوه و مدیریت مخالفان عمل کند.

## بافت ایرانی

ایران نمونه ای از یک رژیم توتالیتر

# امید تغییر در انتخابات در حاکمیت جمهوری اسلامی (آب در هاون کوبیدن)



زاینار حسینی

اوضاع سیاسی-اجتماعی در چارچوب زیستی ملل ساکن در ایران چنان آشفته شده است که سرعت تغییرات از حد انتظارات مردم فراتر رفته است؛ به گونه ای که اثرات اولیه و ثانویه تغییرات هنوز به مراحل تبلور و سکون نرسیده اند که تغییرات جدید از راه رسیده و بستر جامعه را دوباره دستخوش تغییرات می کند. این مهم در حالیست که اقتصاد مملکت دچار تزلزل و گسستگی گشته است و ضمانت های امنیت اقتصادی از این دیار رخت بر بسته اند و صنایع و کسب و کار دچار آشفته‌گی شده اند و افق ورشکستگی در برابرشان خودنمایی می کند به گونه ای که نابسامانیهای اقتصادی به مرحله بحران رسیده است.

فساد سیستماتیک، فضای امنیتی خوفناک، رقابت‌های درون حکومتی در ساختار قدرت، بحران سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تغییرات ریشه ای در نسل جدید و تفاوت ساختاری-فکری با سرکردگان قدرت تنها بخشی از معضلات و مشکلاتی می باشد که در بیش از چهار دهه حکومتمداری، گریبانگیر رژیم جمهوری اسلامی شده است و بازیگران بیت رهبری و کاخ جماران مسئول بخش اعظم این بحرانهای گوناگون هستند.

در حالیکه جمهوری اسلامی ایران با مجموعه ای از بحرانهای داخلی، منطقه ای و بین المللی دست و پنجه نرم می کند که کشته شدن قصاب تهران اوضاع فعلی را دستخوش تغییرات جدید کرده است؛ وضعیتی که برای رژیم ملاحا و ملل ساکن در ایران هم به فرصت و هم تهدید تبدیل شده است.

باری میتوان در چند سطر و از چند دیدگاه متفاوت به حقایق موجود نگاهی انداخت که پیش روی انتخابات ریاست جمهوری در هشتم تیر ماه امسال است. یک: مشارکت مسئولان رده بالای نظام و تأیید و عدم تأیید صلاحیتشان از طرق مراجع ذیربط، سطح رقابت و زد و خورد طیف های سیاسی رژیم بلاخص طیف اصولگراها را آشکار می کند؛ سالیان قبل و در انتخاباتهای قبلی اگر رقابت بر سر قدرت در فی ما بین اصولگراها و اصلاح طلب ها بوده است، کنون این رقابتها بیشتر در بین اصولگرایان میانه رو و اصولگرایان تندرو مشاهده می شود. چنانکه حضور اصلاح طلبان در پایه های اساسی قدرت غایب و تلاش برای تصاحب این جایگاهها از نظرها پنهان است و گویی که این طیف کنار زده شده اند یان در عمل با سیاست های اصولگرایان هماهنگ گشته اند؛ چنین

امیدی از اصلاح امور.

هشت: فرو ریختن دیوار دروغین ترسی که رژیم در طول چند دهه برای مردم بنا کرده بود بلاخص در میان قشر فقیر و سپس قشر متوسط جامعه. نو: افزایش چشمگیر سطح آگاهی مردم در حوزه های سیاسی، اجتماعی و شهروندی به دلیل بالا رفتن سرعت تبادل اطلاعات در رسانه ها و شبکه های اجتماعی.

مردم در سطحی چشمگیر، حاوی چنین پیام آشکار و واضحی خواهد بود که ملل ساکن در ایران این رژیم و امثال چنین رژیمی را نمی خواهند و این رژیم منتخب اقشار مختلف مردمی و این ملتها نیست. در چنین حالتی در سطح بین المللی، کشورهای دیگر امکان بیشتری خواهند داشت که به رژیم موجود در راستای رعایت موازین و استانداردهای بین المللی فشار بیشتری بیاورند و این مهم با منافع مردم و مخالفان رژیم حاکم در یک راستا خواهند بود؛ شاید عدم مشارکت مردم در نمایشهای انتخاباتی قبلی رژیم، اهمیت و حساسیت مختص به خود را داشته است اما مطمئنا در حال حاضر و بلاخص بعد از خیزش انقلابی ژینا و تغییرات سریع در

**اکنون که بیت خامنه ای از هر طرف با مشکلات و فشارهای بیش از حد دست و پنجه نرم می کند به یقین تمام تلاش را وقف یکدست سازی هر چه بیشتر هرم قدرت کرده است و تنها افراد مطیع و ذوب در ولایت را در پست های کلیدی قرار می دهد و این مهم به دلیل افزایش بی سابقه نگرانیهای رژیم بعد از خیزش انقلابی ژینا در سطح ایران و علی الخصوص در شرق کوردستان می باشد.**

دلیل مذکور در بالا و دلایل بسیار دیگری همچون عرض اندام افکار و خواسته های جدید سیاسی، تغییر تفکر قشرهای متفاوت اجتماعی از دید حقوق و آزادیهای فردی و عمومی و همچنین رسیدن سیاستهای جهانی شدن به بطن جوامع حاضر در ایران بالاخص به لحاظ اجتماعی و فرهنگی منجر به ایجاد چالشهای فراوانی و روزانه در عرصه حیات رژیم شده است.

در حال حاضر انتخابات ریاست جمهوری زودتر از موعد برای انتخاب رئیس جمهور جدید، نظر مخالفان رژیم و رسانه های جهان و سیاستمداران کشورهای دیگر را به لحاظ چند و چون مشارکت مردم به خود جلب نموده است!

بر کسی پوشیده نیست که عدم مشارکت مردم در حوزه داخلی، تأثیرات سیاسی و عملی بر سیاستهای رژیم موجود را ندارد؛ گوش فرا دادن به صدا و خواسته های مردم در قاموس هیچ رژیم دیکتاتور و توتالیتری نبوده است که در قاموس رژیم فعلی تهران باشد. اما مهم اینست که مردم چگونه این انتخابات را به فرصتی تبدیل می کنند که صدا و خواسته های حقیقیشان را به رخ جهانیان و ابر قدرتها بکشند؛ عدم مشارکت

لحاظ عددی کاهش چشمگیری یافته اند سه: معضل پروژه اتمی رژیم جمهوری اسلامی ایران در مقابل آژانس انرژی هسته ای و قدرتهای جهانی بیش از پیش بیشتر و عمیقتر گشته و به نقطه بحران نزدیک شده است.

چهار: بحرانهای داخلی، منطقه ای و بین المللی ماحصل از خیزش انقلابی ژینا و تأثیرات اولیه و ثانویه مستمرش یکی از دلایل تأثیرگذار بر انتخابات پیش رو خواهد بود.

پنجم: افزایش روزافزون مخالفان و ناراضیان رژیم جمهوری اسلامی در عرصه داخلی به دلایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همچنان ادامه دارد.

شش: تفاوت اساسی به لحاظ فکری، اجتماعی و آداب رفتاری نسل جدید با طرز تفکر، خواسته ها و اهداف ایادی قدرت رژیم تهران که سبب افزایش فواصل و گسست روزافزون روابط بین مردم و رژیم شده است.

هفت: درک و فهم درست و صحیح ملل ساکن در ایران از نحوه و چگونگی بازیهای سیاسی رژیم در داخل کشور و عدم اعتماد بیش از حد مردم به مسئولان رژیم و نا

در تهران دو روی یک سکه و فرصتی مناسب و طلایی برای مردم است که در چنین موقعیت حساس و سرنوشت سازی، این انتخابات را به تهدیدی تاریخی برای این رژیم به دلیل بحرانهای داخلی، منطقه ای و بین المللی تبدیل کنند؛ واضح و شفاف است که این انتخابات برای هر یک از طرفین به فرصت تبدیل گردد برای طرف مقابل تهدید قلمداد می شود. میتوان گفت که انتخابات پیش رو یکی از بزرگترین میدانهای مبارزات سیاسی ملل ساکن ایران با رژیم ولایت فقیه می باشد شکی نیست که رژیم خودش را برای همایش بزرگترین نمایش در چهل سال اخیر آماده و مهیا می کند و با همه توان سعی دارد که به بهترین شیوه ممکن و با قویترین پروپاگاندا این انتخابات را برگزار کند و چهره ای قوی به همه جهان و رسانه ها نشان دهد؛ ظاهرا اینگونه به نظر می رسد که توپ در میدان رژیم باشد و ابتکار عمل به دست آنان باشد اما در واقع این مردم هستند که تعیین کننده سطح و وسعت مانور و شانناژ رژیمند!

مردم به خوبی یادشان هست و قطعا می دانند که انتخابات در ایران و در زیر سایه رژیم ولایت فقیه، تنها نمایش است و بهترین سند برای این سخن، صحبت ها و سخنان مسئولان رده بالا و تئوریسین های رژیم و دپارتمان فکری ولایت فقیه می باشد؛ به عبارت دیگر و به زبان موسسین رژیم، مشارکت یا عدم مشارکت گوسفند تأثیری بر رفتار چوپان ندارد!

دهها و صدها بار تئوری ولایت فقیه از جانب تئوریسین های این رژیم موشکافی و تشریح شده است و در اکثر مواقع جامعه و مردم به گوسفند و چهارپایان تشبیه شده اند که توانایی تحلیل و تفسیر اوضاع سیاسی و اجتماعی و توانایی تصمیم گیری در این حوزه ها را ندارند و بهمین دلیل ضرورت دارد که کسی آگاه و توانا به مانند چوپان راهنما و بجای آنها تصمیم گیری کند تا خدای ناکرده مردم دچار اشتباه و انحراف نشوند؛ این چکیده مانیفست فکری-سیاسی ایدئولوژی ولایت فقیه می باشد که تبعاتش در این چهار دهه بر آنانی که چشم دیدن حقایق را دارند، آشکار و واضح است.

در واقع انتخابات پیش رو هم برای ملل ساکن در ایران و هم برای رژیم آخوندی

# دیپلماسی گروگان‌گیری رژیم ایران

پ. آزاد

بلژیک که اسدالله اسدی در دادگاه محکوم شد با حکم شاه بلژیک به ایران تحویل داده شد. اروپاییها بدون اتخاذ موضعی واحد یک رویکرد ناموزون و ناهماهنگ داشته‌اند که از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده است.

## سازمان‌های بین‌المللی

سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و گروه‌های حقوق بشر، استفاده ایران از گروگان‌گیری را محکوم کرده‌اند. با این حال، نفوذ آنها محدود است، زیرا ایران هنجارها و معاهدات بین‌المللی را در مورد منافع امنیتی و سیاسی خود نادیده می‌گیرد و از همه توان اقتصادی خود برای گسترش مداخله‌های سیاسی و گروگان‌گیری و ترور استفاده می‌کند.

## هزینه انسانی

هزینه انسانی دیپلماسی گروگان‌گیری ایران بسیار زیاد است. گروگانها شکنجه‌های جسمی و روانی، بازداشت‌های طولانی مدت و جدایی از خانواده‌های خود را تحمل می‌کنند. وضعیت اسفناک آنها اغلب به عنوان ابزاری برای چانه زنی در بازی‌های ژئوپلیتیک مورد استفاده قرار می‌گیرد که منجر به رنج طولانی مدت و عدم اطمینان می‌شود. پرونده نازنین زاغری که سالها در بازداشتگاه ایران بود در حالیکه دختر خردسالش بدون او بزرگ شد، بر تراژدی‌های شخصی پشت این مانورهای سیاسی تأکید می‌کند.

دیپلماسی گروگان‌گیری تاکتیکی شوم است که رژیم ایران برای دستیابی به اهداف سیاسی و استراتژیک خود آن را از استرالیا تا اروپا و آمریکا به کار گرفته و می‌گیرد. راهبردهای مماشات این کشورها اغلب حقوق بشر را در قربانگاه دیپلماسی و منافع اقتصادی ذبح کرده و رژیم را قادر می‌سازد تا به اقدامات سرکوبگرانه خود ادامه دهد. برای مقابله و جلوگیری از استفاده ایران از گروگان‌گیری، با اولویت دادن به حقوق بشر و حاکمیت قانون بر دستاوردهای کوتاه‌مدت، به یک واکنش بین‌المللی یکپارچه‌تر و اصولی‌تر نیاز است. تنها در این صورت است که میتوان چرخه سرکوب و دستکاری روابط بین‌الملل را شکست و عدالت و آزادی را برای بازداشت‌شدگان ناعادلانه تضمین کرد. همچنین بدون مقدم دانستن حقوق بشر بر روابط بین‌الملل، رژیم ایران در ادامه عملی کردن نقشه‌های ترور سیاسی مخالفین در غرب جسورتر میشود و تبدیل به نمونه‌ای برای دیگر کشورهای حامی تروریسم دولتی در جهان خواهد شد.

رژیم ایران با دقت اهداف خود را برای گروگان‌گیری انتخاب می‌کند. دو تابعیتی‌ها به ویژه آسیب پذیرتر هستند، زیرا اغلب آنها را دارای وفاداریهای دوگانه میدانند و میتوان آنها را به آسانی متهم کرد و امتیازاتی از کشورهای غربی گرفت. گردشگران، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان خارجی نیز در معرض خطر هستند، زیرا حضور آنها در ایران به راحتی قابل توجیه است و بازداشت آنها می‌تواند به عنوان یک موضوع امنیت ملی در نظر گرفته شود.

روشهای حقوقی و فراقانونی دیپلماسی گروگان‌گیری در ایران شامل دو روش قانونی و فراقانونی است. روشهای قانونی شامل دستگیری به اتهامات ساختگی، محاکمه در دادگاه‌های نمایشی انقلاب و احکام سنگین است. در پروسه این دادگاهها و احکام آنچه نقش اصلی را ایفا میکند دستورات صادره از نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات یا اطلاعات سپاه پاسداران است که بعداً هم با مماشات کشورهای اروپایی این احکام سنگین به راحتی نقض و گروگان معامله میشود. روش‌های فراقانونی شامل آدم ربایی توسط گروه‌های نیابتی ایران در منطقه مانند حزب الله لبنان، حشدی شعبی عراق یا عملیات مخفیانه توسط سازمان‌های اطلاعاتی ایران در اقصی نقاط جهان است.

## مذاکره و اهرم

هنگامی که افراد مورد نظر گروگان گرفته میشوند، رژیم ایران از آنها به عنوان اهرم فشار در مذاکرات بین‌المللی استفاده میکند. این خواسته‌ها می‌تواند از آزادی عوامل ایرانی بازداشت شده، آزادسازی دارایی‌ها یا امتیازات دیپلماتیک متغیر باشد. فرآیند مذاکره اغلب مبهم است و کانالها و واسطه‌های متعددی در آن دخیل هستند.

## پاسخ بین‌المللی

موضع ایالات متحده آمریکا ایالات متحده به طور کلی موضعی سختگیرانه در برابر دیپلماسی گروگان‌گیری ایران اتخاذ کرده است و بر تحریم‌ها و انزوای دیپلماتیک تأکید میکند. با این حال، حتی ایالات متحده نیز وارد مذاکراتی شده است، مانند توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ که شامل آزادی چند زندانی آمریکایی در ایران بود.

## استراتژیهای اروپایی

کشورهای اروپایی ترکیبی از دیپلماسی و مماشات را به کار گرفته‌اند و اغلب امنیت فوری شهروندان خود را بر ملاحظات استراتژیک بلندمدت اولویت میدهند. حتی در مواردی همچون

ابتدا با اتخاذ موضع شدید، دیپلماتهای ایرانی را اخراج کرد و روابط دیپلماتیک را کاهش داد و برخی کشورهای اروپایی هم سفرای خود را از ایران فراخواندند اما در نهایت منافع اقتصادی و تمایل به حفظ امتیازات مادی با ایران به عادی سازی روابط کشورهای اروپایی با ایران مدافع تروریسم دولتی منجر شد. فرانسه و پرونده کلوتیلد ریس: در سال ۲۰۰۹، کلوتیلد ریس، دانشجویی فرانسوی به اتهام جاسوسی در ایران بازداشت شد. آزادی او در سال ۲۰۱۰ به عنوان بخشی از یک توافق دیپلماتیک گسترده تلقی شد که شامل آزادی یک مامور ایرانی بازداشت شده در فرانسه بود.

## تأثیر بر حقوق بشر

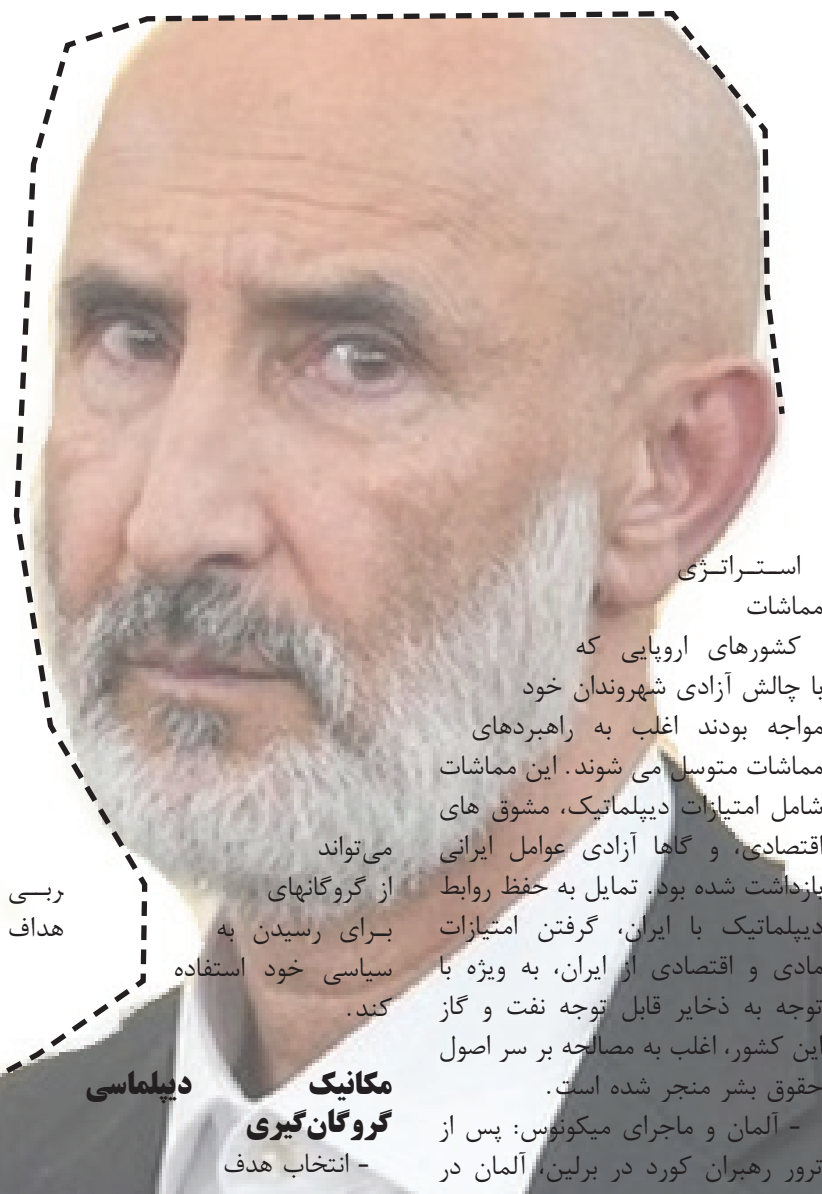
مماشات با ایران توسط کشورهای اروپایی پیامدهای منفی برای حقوق بشر داشته است. دولتهای اروپایی با اولویت دادن به منافع دیپلماتیک و اقتصادی بر نگرانیهای حقوق بشری، اغلب چشم خود را بر سرکوب داخلی رژیم ایران و نقضهای بین‌المللی بسته‌اند. این مماشات غربی‌ها باعث جسور شدن رژیم ایران شده است تا به گروگان‌گیری خود و ادامه نقشه‌های ترور مخالفین سیاسی در خارج از کشور و خرابکاری‌های امنیتی ادامه دهد زیرا می‌داند که

و یارانش در رستوران میکونوس برلین در سال ۱۹۹۲ بود که به بحران دیپلماتیک بین ایران و چندین کشور اروپایی منجر شد.

## دهه ۲۰۰۰: افزایش پیچیدگی و دسترسی جهانی

دهه ۲۰۰۰ شاهد رویکرد پیچیده‌تری برای دیپلماسی گروگان‌ها بود که ایران از ابزارهای قانونی و فراقانونی برای بازداشت اتباع خارجی استفاده می‌کرد. دستگیری و بازداشت اتباع دو تابعیتی مانند ایرانی-آمریکایی و ایرانی-اروپایی به یک تاکتیک رایج تبدیل شد. این افراد اغلب به جاسوسی یا اقدام علیه امنیت ملی متهم می‌شدند، اتهاماتی که معمولاً بی‌اساس و با انگیزه‌های سیاسی بودند. موارد رکسانا صابری، روزنامه‌نگار ایرانی-آمریکایی در سال ۲۰۰۹ و نازنین زاغری، کارمند خیریه انگلیسی-ایرانی در سال ۲۰۱۶، نمونه‌های بارز این تاکتیک است. البته ناگفته نماند یکی از تاکتیکهای رژیم ایران در گروگانگیری افراد دو تابعیتی استفاده از شهروندان ایرانی است که قبل از اخذ تابعیت خارجی توسط نهادهای امنیتی ایرانی آموزش و هدایت شده‌اند.

## مماشات اروپایی‌ها و پیامدهای آن



استراتژی

مماشات

کشورهای اروپایی که

با چالش آزادی شهروندان خود

مواجه بودند اغلب به راهبردهای

مماشات متوسل می‌شوند. این مماشات

شامل امتیازات دیپلماتیک، مشوق‌های

اقتصادی، و گاهی آزادی عوامل ایرانی

بازداشت شده بود. تمایل به حفظ روابط

دیپلماتیک با ایران، گرفتن امتیازات

مادی و اقتصادی از ایران، به ویژه با

توجه به ذخایر قابل توجه نفت و گاز

این کشور، اغلب به مصالحه بر سر اصول

حقوق بشر منجر شده است.

- آلمان و ماجرای میکونوس: پس از

ترور رهبران کورد در برلین، آلمان در

ربی

هدف

مکانیک

گروگان‌گیری

- انتخاب هدف